هفت‌خان

## درباره لزوم انتشار یافته‌های علمی بومی به زبان فارسی
# اندیشه‌های ناب در زهدان‌های اجاره‌ای

حسین صافی

تنها در علم نوین زبان‌شناسی است که زبان را می‌توان فی‌نفسه بررسی کرد. در این رشته، حتی بررسی کارکردهای زبان نیز راهی است به سوی شناخت چیستی خود زبان. بیرون از این رشته اما زبان به خودی خود موضوعی درخور شناخت نمی‌نماید، بلکه فقط حکم ابزاری را دارد که ارزش آن متناسب با کارکردش سنجیده می‌شود. در این سنجه کارکردگرایانه، آنچه آموزش یک زبان بیگانه را توجیه می‌کند، امکان بهره‌برداری‌های ابزاری از آن زبان در تعاملات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی با علمی است. درحال‌حاضر، انگیزه شناخت زبان فارسی در مقام یک زبان بیگانه، عمدتا به بهره‌برداری‌های علمی، فرهنگی و به‌ویژه ادبی، آن هم غالبا از نوع ادبیات کهن، خلاصه شده است. از اجحاف دیگر کارکردهای فارسی، چندان به کار خریداران غیرفارسی‌زبان نمی‌آید. بازار آموزش فارسی به بیگانگان نیز با همه تلاش‌های مجدانه‌ای که فلان بنیاد مردم‌نهاد و یهمان نهاد دولتی به خرج این بازار می‌دهند، کساد مانده است تا یقین شود که در بازار صادرات فارسی رونق آرام نیست. در سیاست‌گذاری برای مدیریت این بازار لابد خطای هست. خطای بزرگ، کمانه‌ای است به دور از این حقیقت که کلید بیرون‌رفت فارسی از زیستگاهش را نه در زیستگاه فارسی، که در جایی بیرون از جغرافیای این زبان و مثلا در الکوی اندیسکانی ساکنان آن باید جست؛ در حمایت‌های ایشان از سیاستی نامومجه که به حکم ناعادلانه این مقاله‌های منتشر در مجله‌های بین‌المللی (آی‌اس‌آی) باید امتیازاتی به مراتب بیش از مقاله‌های پژوهشی فارسی نصیب نگارندگان خود کند. (برای آشنایی با این سیاست، نگاه کنید به: زبان فارسی نه‌تنها مصوب وزارت علوم برای استخدام، ترفیع، تبدیل و... ارتقای اعضای هیات علمی؛ سیاست‌هایی از این دست را احتمالا جبین توجیه می‌کنند که «وقتی انگلیسی ۹۲ درصد از تولید علم جهان را یک‌سره به زیر نام خود کشیده است، برای زبان‌های دیگر نه چندان مجالی برای بازاریابی فراوردی‌های علمی‌شان باقی گذاشته است و نه اساسا رمقی برای فراگیری مقاله‌های تازه علمی تحت اصطلاحات بومی خودشان؛ پس بهتر است ما دیگرزبانان عالم نیز به جای بازکردن سفره قلمکار برای تک‌ای بی‌مقدارتر از کل آن صنار چکرک یاقی‌مانده، دست از جدال با یکدیگر برداریم و تولیدات علمی خود را حتی بیش از برپدن نه نافشان از زبانی که در آن نطفه بسته و از آن تغذیه کرده‌اند، دودستی تسلیم انگلیسی کنیم». در این صورت، تمام زبان‌های مولد علم را باید زهدان‌هایی دانست در اجاره زبانی که به بهانه دلالی تولیدات آنها، مواریث خاص هر کدام را هویت‌زدایی و مصادره به مطلوب خود می‌کند. این یعنی از بین رفتن هویت ملی کسانی که هویت و شخصیت اجتماعی‌شان در آن زبان شکل گرفته است. از آنجا که هویت هر ملتی در زبانش شکل می‌گیرد و تنها در همین زبان منعکس می‌شود، در چنین حالتی جنبه هویت‌ساز زبان علیم می‌شود و اتفاقی که در تقابل میان کویش‌های مختلف یک زبان و کوته معیار آن زبان، برای کویش فرودست می‌افتد. در اینجا در مقیاسی بسیار بزرگ‌تر در رقابت میان زبان‌های فرودست و زبان قدرت رخ می‌دهد. در چنین شرایط بغرنجی است که آماری از سوی پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (آی‌اس‌سی) اعلام می‌شود مبنی بر جهش ۱۳پله‌ای فارسی به‌عنوان زبان علم در ده سال اخیر و ایستادن در جایگاه هفدهمین زبان علم‌آفرین جهان. اهمیت این خبر هنگامی بیشتر می‌شود که جایگاه فارسی را با وضعیت زبان‌های مادر عربی مقایسه کنیم: هم‌اکنون فارسی با جمعیتی معادل یک‌سوم عرب‌زبان‌ها، جهش‌شش‌برابر بیش از زبان عربی در تولید علم جهان نقش دارد. البته ارتقای زبان فارسی که از مهم‌ترین سیاست‌های مطرح در نقشه جامع علمی کشور است، به‌هیچ‌رو اتفاقی نیست. ارتقای اعضای هیات علمی در وزارت علوم نمی‌خواند و این یعنی اتخاذ سیاستی دوگانه در برابر فارسی. در این میانه، بسیاری ترجیح می‌دهند معطوفی را که در دستگاه اندیشه‌ورزی فارسی به هم رسانده‌اند، در پوشش انگلیسی روانه فراوردی‌های بین‌المللی علمی کنند. اندک کسانی هم به پای درگذشتن از نام خود، همچنان لفظ فارسی را به عطای انگلیسی ترجیح می‌دهند. من اما بی‌آنکه با ترجمه فراوردی‌های فکری اهل یک جغرافیای این زبان و مثلا در الکوی اندیسکانی ساکنان آن باید جست، این کروه دوم را برمی‌گزینم؛ گو اینکه اساسا شکاف میان علم‌آوری به فارسی و علم‌آوری به انگلیسی را چندان نمی‌بینم که مانع از تجمیع این دو به سود فارسی شود. وظیفه یک پژوهشگر این نیست که مترجم دستاوردهای علمی خود باشد. مشارکت در تولید معرفت نه‌لزوما پژوهش که همچنین شرط کفایت آن است. پژوهشگر البته می‌تواند گذشته از تولید معرفت، دستی هم در تبلیغ و توزیع و حتی در صدور محصولات علمی بزماید؛ اما فقط به شرط بخشنامه است که می‌توان او را به اهمال چنین اختیاری واداشت. وزارت علوم برای آنکه مانع از ارتقای فارسی در عرصه تولید علم نشود، به جای اعمال سیاستی چنین تبعیض‌آمیز، می‌تواند با اعمال سیاستی تشویقی بار ترجمه را از دوش پژوهشگر بردارد؛ به این ترتیب که پس از ارزیابی مقاله‌های تولید داخل براساس ضریب تاثیرشان، برارجاع‌ترین آنها را برای ترجمه به بنگاه‌هایی بسپارد که خاصه به قصد صدور یافته‌های علمی بنان نهاده شده‌اند؛ کسانی که به ترجمه در این‌گونه سازمان‌ها گماشته خواهند شد، در عین تسلط به فارسی و انگلیسی، با موضوع مقاله نیز به‌گونه‌ای نخواهند بود. این پیشنهاد شاید بسیار بلندپروازانه و حتی آرمانی جلوه کند اما چه باک! مگر خردمندان گفته‌اند آرزو بر حوالتان عیب نیست. والبته، ترجمه انگلیسی چکیده‌های فارسی مقالات اگر باید باب ورود پژوهشگر خارجی را با ترغیب وی به خواندن باقی مقاله بگشاید، جز ارجمت ترجمه کل مقاله را بر عهده خود او نگذارد؟ زیرا فرض بر این است که امکان خروردزی بومی در این سوی دنیا وجود ندارد. برپایه چنین پیش‌قضاوتی است که کاه فارسی‌زبان نیز از خود می‌پرسند آیا وقعا زبان فارسی توان علم‌آوری و معرفی یافته‌های بومی را دارد؟! اگر جز این باشد، در کل طول تاریخ توانایی بارآوری پیچیده‌ترین مضامین فکری و فلسفی را در خورتی‌ترین ظرف‌ها داشته است. ناگهان مردم به بعضی از واژه‌های ارسطویی، رسمی چندان آموزی نیست و مشابه همین شوخی‌ها با کلمات دانشگاه و دانشکده هم رایج بود. یکی دیگر از دلایل مخالفت با واژه‌ها این بود که برخی مدعی بودند کلمه‌ها و واژه‌های تازه، عمق معانی واژه بیگانه را نمی‌رسانند و به بیان دیگر این واژه‌ها گویا نیستند، اما فقط سال‌ها مشخص شد نگرانی این منتقدان چندان بجا نبود.

## دشواری‌های استفاده از فارسی به عنوان زبان علم در گفت‌وگو با «علی پورجوادی»
# بخشی از هویت ما در زبان علمی‌مان نهفته است

عکس: روابط رسانی شرق

**امید رهنما، سلیمان فرهادیان:** چند سالی است که مسئولان امور فرهنگی کشور در تلاشند زبان فارسی، آن را به زبان علم در این روزگار معرفی کنند. برای مثال، در نقشه جامع علمی کشور، هشت دهک کلان برای نظام علم و فناوری کشور برشمرده شده که ششمین آن ارتقای جایگاه زبان فارسی در بین زبان‌های بین‌المللی علمی است. این نقشه اقدامات مختلفی را برای رسیدن به این هدف نیز برشمرده است. آنان امیدوارند با پیشرفت علمی ایران، زمینه‌های گسترش و نفوذ زبان فارسی در جهان فراهم شود. حتی برخی نیز بر این باورند با تلاش بیشتر، می‌توان کاری کرد در آینده. کسانی که می‌خواهند از دستاوردهای پیشرفت‌های علمی کشورها استفاده کنند، ناچار شوند زبان فارسی را یاد بگیرند. این ویژگی‌ها به موضوع نقش و جایگاه زبان فارسی به‌عنوان زبان علم پرداخته و راهکارهای لازم برای رسیدن به این هدف را از دید کارشناسان مختلف بررسی می‌کند از جمله دکتر «علی پورجوادی»، وی متولد ۱۳۲۷ در تهران، دانش‌آموخته دانشگاه بی‌یو و ماری کوری فرانسه و استاد تمام دانشگاه صنعتی شریف است. وی یکی از برگزارترین پژوهشگران کشور است که با تألیف مقاله‌های بسیار، در سال‌های اخیر، شاخص هرش‌بیانسکی محققان در ۱۰ سال گذشته، شناخته شده است. البته وی در کنار کار علمی-پژوهشی، به فعالیت‌های فرهنگی در حوزه علم نیز بسیار علاقه‌مند و در ۳۰ سال گذشته در حوزه واژه‌گزینی بسیار تلاش کرده است. او که عضو شورای واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی است، با تألیف، ترجمه و ویرایش بیش از ۵۰ کتاب درسی دانشگاهی، یکی از شناخته‌شده‌ترین استادان کشور در این حوزه است. اما مهم‌ترین کار وی در این عرصه، انتشار سه کتاب به نام‌های «واژه‌نامه شیمی»، «واژگان شیمی و مهندسی شیمی» و «فرهنگ شیمی و مهندسی شیمی» است که نقش بسیار مهمی در معادل‌یابی و یکدست‌سازی اصطلاحات علم شیمی کتاب‌های شیمی دبیرستانی و دانشگاهی در سه دهه اخیر داشته است.

**◀ چرا مقاله‌های علمی-دانشگاهی را که مخاطبان خاص دارد، باید به زبان فارسی نوشت؟**

پیش از همه به این نکته هم توجه داشته باشیم هیچ اجباری نیست که ما همه مقاله‌هایمان را به زبان فارسی منتشر کنیم. بلکه توصیه شده است بخشی از مقاله‌های تولیدشده در کشور، به زبان فارسی باشد به این موضوع تا حدودی به نفع استادان جوان است و در فرایند ارتقا به آنها کمک می‌کند. برای مثال، خود من حدود ۲۰۰ مقاله دارم که ازاین‌بین فقط سه مقاله به زبان فارسی است، به بیان دیگر این فقط تشویق و توصیه است و اجباری در این زمینه نیست. البته در نظر داشته باشید که انتشار مقاله‌ها به زبان فارسی موضوع جدیدی نیست و از سابق ما بازاریابی فراورده‌های علمی‌مان باقی گذاشته است و نه اساسا رمقی برای فراگیری مقاله‌های تازه علمی تحت اصطلاحات بومی خودشان؛ پس بهتر است ما دیگرزبانان عالم نیز به جای بازکردن سفره قلمکار برای تک‌ای بی‌مقدارتر از کل آن صنار چکرک یاقی‌مانده، دست از جدال با یکدیگر برداریم و تولیدات علمی خود را حتی بیش از بریدن نه نافشان از زبانی که در آن نطفه بسته و از آن تغذیه کرده‌اند، دودستی تسلیم انگلیسی کنیم». در این صورت، تمام زبان‌های مولد علم را باید زهدان‌هایی دانست در اجاره زبانی که به بهانه دلالی تولیدات آنها، مواریث خاص هر کدام را هویت‌زدایی و مصادره به مطلوب خود می‌کند. این یعنی از بین رفتن هویت ملی کسانی که هویت و شخصیت اجتماعی‌شان در آن زبان شکل گرفته است. از آنجا که هویت هر ملتی در زبانش شکل می‌گیرد و تنها در همین زبان منعکس می‌شود، در چنین حالتی جنبه هویت‌ساز زبان علیم می‌شود و اتفاقی که در تقابل میان کویش‌های مختلف یک زبان و کوته معیار آن زبان، برای کویش فرودست می‌افتد. در اینجا در مقیاسی بسیار بزرگ‌تر در رقابت میان زبان‌های فرودست و زبان قدرت رخ می‌دهد. در چنین شرایط بغرنجی است که آماری از سوی پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (آی‌اس‌سی) اعلام می‌شود مبنی بر جهش ۱۳پله‌ای فارسی به‌عنوان زبان علم در ده سال اخیر و ایستادن در جایگاه هفدهمین زبان علم‌آفرین جهان. اهمیت این خبر هنگامی بیشتر می‌شود که جایگاه فارسی را با وضعیت زبان‌های مادر عربی مقایسه کنیم: هم‌اکنون فارسی با جمعیتی معادل یک‌سوم عرب‌زبان‌ها، جهش‌شش‌برابر بیش از زبان عربی در تولید علم جهان نقش دارد. البته ارتقای زبان فارسی که از مهم‌ترین سیاست‌های مطرح در نقشه جامع علمی کشور است، به‌هیچ‌رو اتفاقی نیست. ناچار شوند زبان فارسی را یاد بگیرند. این ویژگی‌ها به موضوع نقش و جایگاه زبان فارسی به‌عنوان زبان علم پرداخته و راهکارهای لازم برای رسیدن به این هدف را از دید کارشناسان مختلف بررسی می‌کند از جمله دکتر «علی پورجوادی»، وی متولد ۱۳۲۷ در تهران، دانش‌آموخته دانشگاه بی‌یو و ماری کوری فرانسه و استاد تمام دانشگاه صنعتی شریف است. وی یکی از برگزارترین پژوهشگران کشور است که با تألیف مقاله‌های بسیار، در سال‌های اخیر، شاخص هرش‌بیانسکی محققان در ۱۰ سال گذشته، شناخته شده است. البته وی در کنار کار علمی-پژوهشی، به فعالیت‌های فرهنگی در حوزه علم نیز بسیار علاقه‌مند و در ۳۰ سال گذشته در حوزه واژه‌گزینی بسیار تلاش کرده است. او که عضو شورای واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی است، با تألیف، ترجمه و ویرایش بیش از ۵۰ کتاب درسی دانشگاهی، یکی از شناخته‌شده‌ترین استادان کشور در این حوزه است. اما مهم‌ترین کار وی در این عرصه، انتشار سه کتاب به نام‌های «واژه‌نامه شیمی»، «واژگان شیمی و مهندسی شیمی» و «فرهنگ شیمی و مهندسی شیمی» است که نقش بسیار مهمی در معادل‌یابی و یکدست‌سازی اصطلاحات علم شیمی کتاب‌های شیمی دبیرستانی و دانشگاهی در سه دهه اخیر داشته است.

**◀ چرا مقاله‌های علمی-دانشگاهی را که مخاطبان خاص دارد، باید به زبان فارسی نوشت؟**

پیش از همه به این نکته هم توجه داشته باشید